

عبرتهای نهضت حسینی از دیدگاه مقام معظم رهبری.....

گردآوری و تنظیم: حسین شیدائیان

پژوهشگر

چکیده

نشیب و فراز تاریخ اسلام مشحون از نکات آموزنده است و هر رویداد تاریخی که شگرف باشد عبرت‌های آن نیز برای نسل‌های بعد آموزنده‌تر است. نهضت سترگ و جاودانه عاشورای حسینی بزرگترین و تأثیرگذارترین حادثه دینی تاریخ اسلام است که عبرت‌های فراوانی برای انقلاب‌های اسلامی و شیعی به ارمغان آورده است. مجموعه حاضر گزیده‌ای از برجسته‌ترین مطالب مقام معظم رهبری در موضوع عبرت‌های عاشورا و نکات آموزنده این نهضت از دیدگاه مقام معظم له است تا بتوان آنها را برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن نصب العین قرار داد.

کلیدواژه‌ها: عبرت، امام حسین (ع)، مقام معظم رهبری

نهضت حماسی و جاودانه عاشورای حسینی بیش از سایر رویدادهای مهم تاریخ اسلام کانون توجه نکته‌سنجان و تحلیل‌گران تاریخی قرار گرفته است. در هر دورانی صاحب‌نظران و مفسران شیعی سعی کردند تا پرده از ابعاد و زوایای ناشناخته این حادثه بردارند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تاریخ‌شناس برجسته معاصر، در دهه ۷۰ موضوع «عبرت‌های عاشورا» را به عنوان یکی از زوایای پنهان تاریخ تحلیلی عاشورا مطرح نمود و وفق جدیدی فرا روی تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران گشود.

واژه عبرت از ریشه عبور و گذشتن از چیزی به چیز دیگر است؛ به اشک چشم «عبره» گفته می‌شود چون از چشم عبور می‌کند، در تعبیر خواب نیز از این واژه استفاده شده چون انسان را از ظاهر به باطن منتقل می‌کند.^۱ به همین مناسبت به حوادثی که برای انسان پندآموز باشد عبرت گویند چون انسان را به یک سلسله تعالیم کلی راهتمایی می‌کند. متون دینی هم انسان‌ها را به عبرت‌گیری و درس‌آموزی حوادث تاریخی فرا می‌خواند البته میان درس‌آموزی و عبرت‌گیری تفاوت‌هایی وجود دارد. در درس‌های تاریخی و دینی بیشتر نکات پسندیده و مثبت ارزیابی می‌شود و سپس برای مخاطبان برجسته می‌گردد. اما در عبرت‌گیری و پندآموزی، هم نکات منفی و هم نکات مثبت و مفید مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و علل و عوامل حادثه را برای آیندگان کنکاش می‌کند تا مایه عبرت شود. آیات فراوانی در قرآن به سرگذشت ملت‌های گذشته اشاره دارد و مطالعه کارکردهای مثبت و منفی و سرانجام آن‌ها را برای آیندگان درس عبرت می‌نامد.^۲

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، تاریخ و خصوصاً حوادث صدر اسلام، دوران امیر المؤمنین (ع) و رویدادهای مشروطیت و تحولات معاصر ایران را معلم عبرت‌آموزی معرفی کرد و فرمود: «تاریخ و آنچه که به ملت‌ها می‌گذرد این باید عبرت باشد برای مردم».^۳

مقام معظم رهبری نیز رویدادهای تاریخ را سرشار از درس و عبرت می‌شمارد و عبرت‌ها را فراتر و مهم‌تر از درس طبقه‌بندی می‌کند. رویداد عظیم و تاریخی عاشورا از دیدگاه ایشان لبریز از نکات عبرت‌آموز برای مسلمانان است، ایشان با کالبد شکافی دقیق حادثه عاشورا یکی از زوایای ناشناخته واقعه عاشورا را به ملت قهرمان و تحلیل‌گران شناساند و افق جدیدی فرا روی محققان گشود، تا امت همیشه هوشیار و در صحنه اسلامی ایران کاملاً مراقب دستاوردهای این انقلاب بزرگ اسلامی باشند و حادثه‌ای دیگر همانند عاشورا در تاریخ تکرار نشود. زیرا جامعه اسلامی امروز ما همانند جامعه مسلمانان صدر اسلام همواره در معرض خطر قرار دارد. اکنون برجستگی‌های عبرت‌آموز واقعه عظیم عاشورا را از نگاه مقام معظم رهبری مرور می‌کنیم.

الف - علل و زمینه‌های پیدایش حادثه عاشورا

مقام معظم رهبری با یک نگاه تحلیلی و درون کاوی به جامعه اسلامی، تغییر فرهنگ مردم و پیروان و یاران پیامبر را مبنای پیدایش زمینه‌ها و علل اصلی حادثه عاشورا می‌داند و آن را در چند بخش یادآوری می‌کند.

۱ - عدم تشخیص تکلیف.

در حالی که امام حسین (ع) با توجه به عنصر امر به معروف و نهی از منکر قیام را آغاز کرد، برخی بزرگان اسلام و مردم عادی مسائل دیگر را مهم تلقی می‌کردند. و از یاری امامشان باز ماندند.

«آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیای اسلام، آدم‌های مؤمن و کسانی که مایل بودند بر طبق وظیفه عمل بکنند، بودند و تکلیف را نمی‌فهمیدند، وضعیت زمان را تشخیص نمی‌دادند، دشمن اصلی را نمی‌شناختند، کار اصلی و محوری را با کارهای درجه دو و سه اشتباه می‌کردند و این همیشه یکی از ابتلائات بزرگ دنیای اسلام بوده است.»^۴

۲ - دنیاطلبی و فساد

خطرناک‌ترین آفتی که خردورزان و نخبگان جامعه را از رسالت شرعی و وظیفه اصلی آنها دور می‌سازد. گرایش به دنیاست. و سوسه‌های نفسانی برای حفظ مقام و موقعیت اجتماعی زمینه ساز لغزش خواص در منجلاب شهوات و مادیات است که به مرور جامعه را به فساد می‌کشاند پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ منشأ همه گناهان دنیا دوستی است.»^۵

«یکی از چیزهایی که عامل اصلی چنین قضیه‌یی شد این بود که رواج دنیاطلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیت مسئولیت ایمان را گرفت... همان مدینه‌یی که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقیدان‌ها و آوازه‌خوان‌ها و معروف‌ترین رقاصه‌ها تبدیل شد، تا جایی که وقتی در دربار شام می‌خواستند بهترین مغنیان را خبر بکنند، از مدینه آوازه‌خوان و نوازنده می‌آوردند... مدینه مرکز فساد و فحشا شد و آقازاده‌ها و بزرگ‌زاده‌ها و حتی بعضی از جوان‌های وابسته به بیت بنی‌هاشم نیز دچار فساد و فحشا شدند.»^۶

۳. دوری از یاد خدا و معنویت

مقام معظم رهبری با اشاره به آیه ۵۹ سوره مریم، یکی از علت‌های انحراف و گمراهی جامعه را که عامل شهادت امام حسین (ع) شد این گونه بیان می‌کند:

«ما باید بفهمیم بر سر آن جامعه چه بلایی آمد که سر بریده‌ی حسین بن علی آقا زاده‌ی اول شخص دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین، پسر علی بن ابیطالب در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت می‌نشسته است، گردانده بشود و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر افرادی به کربلا بیایند او و اصحابش را باللب تشنه به شهادت برسانند و حرم امیرالمؤمنین را به اسارت بگیرند! در این زمینه حرف زیاد است. من یک آیه از قرآن را در پاسخ به این سؤال مطرح می‌کنم. قرآن جواب ما را داده است. آن درد را قرآن به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَغْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا» (مریم ۵۹)؛ آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید.»

عوامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی دو چیز است؛ یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است، فراموش کردن خدا و معنویت، حساب معنویت را از زندگی جدا کردن، توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن و دوم دنبال شهوترانی‌ها رفتن، دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله، دنیاطلبی، به فکر جمع آوری ثروت مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن، این‌ها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن.^۷

۴. ایمان سطحی (عدم استقامت)

بیشتر مردم عراق در دوران امام حسین (ع) از آگاهی عمیق و معرفت دینی بهره‌مند نبودند امام حسین (ع) در وصف چنین مردمی می‌فرماید:

«الْإِنْسَانُ عَيْدٌ الدُّنْيَا وَالْدُّنْيَا لَعِقَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحْوُطُونَهُ مَا ذَرَّتْ مَعَا يَسْمُهُمْ فَإِذَا مَحْصُورًا بِالْإِبِلَاءِ قَلَّ الدِّيَاثُونَ»^۸

این مردم برده‌های دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می‌باشد، حمایت و پشتیبانی‌شان از دین تا آنجا است که زندگی‌شان در رفاه است و آنگاه که در بوته امتحان قرار گرفتند دینداران کم خواهند بود.

مقام معظم رهبری در این باره می‌گوید:

«اگر اسامی کسانی را که از کوفه به امام حسین (ع) نامه نوشتند و دعوت کردند نگاه کنید، اینهایی که نامه نوشتند، همه جزو طبقه خواص اند؛ طبقه زبندگان و برجستگان نامه‌ها هم زیاد است. از کوفه صدها صفحه نامه و شاید چندین خورجین یا بسته‌ی بزرگ نامه آمد. غالباً بزرگان و اعیان و شخصیت‌های برجسته و نام و نشان دارها و همین خواص، این نامه را نوشتند! منتهی لحن نامه‌ها را نگاه کنید، معلوم می‌شود که در بین خواص طرفدار حق، چه کسانی جزو آن دسته‌ای هستند که حاضرند دینشان را قربانی دنیاشان بکنند و چه کسانی هستند که حاضرند دنیاشان را قربانی دین بکنند از خود نامه‌ها می‌شود فهمید، و چون کسانی که حاضرند دینشان را قربانی دنیا بکنند بیشترند، نتیجه آن در کوفه، شهادت مسلم بن عقیل می‌شود و بعد هم از همان شهر کوفه‌یی که هجده هزار نفر آمدند با مسلم بن عقیل بیعت کردند، جمعیتی حدود بیست هزار یا سی هزار یا بیشتر بلند می‌شوند و به جنگ امام حسین در کربلا می‌آیند.»^۹

۵. دوری از ارزش‌های دینی

هر چه فاصله زمانی و تاریخی زندگی سیاسی فرهنگی مسلمانان با دوران حیات طیبه رسول الله (ص) بیشتر می‌شد، دیانت، تقوی، ولایت‌مداری در جامعه رنگ می‌باخت و ضد ارزش‌ها در پرتو گرایش‌های مادی و ریاست‌طلبی جایگزین ارزش‌های اسلامی می‌شد. از این رو مقام معظم رهبری ضمن هشدار به کارگزاران کنونی جامعه درباره یکی از عوامل حادثه عاشورا اشاره می‌نماید:

«اگر مراقبت نباشید، آن وقت جامعه همین طور به تدریج از ارزش‌ها تهیدست می‌شود و به نقطه‌ای می‌رسد که فقط یک پوسته‌ی ظاهری باقی می‌ماند. ناگهان یک امتحان بزرگ پیش می‌آید - امتحان قیام‌ابی عبدالله - آن وقت این جامعه در این امتحان مردود می‌شود. [به ابن سعد] گفتند به تو حکومت ری را می‌خواهیم بدهیم. ری آن وقت یک شهر بسیار بزرگ پرفایده بود. حاکمیت هم مثل استانداری امروز نبود. امروز استاندارهای ما یک مأمور اداری هستند؛ حقوقی می‌گیرند و همه‌اش زحمت می‌کشند. آن زمان اینطوری نبود، کسی که می‌آمد حاکم شهری می‌شد، یعنی تمام منابع در آمد این شهر در اختیار او بود. یک مقدار هم باید برای مرکز بفرستد بقیه‌اش هم در اختیار خودش بود، هر کار می‌خواست

می توانست بکند، لذا خیلی برایشان اهمیت داشت. بعد گفتند که اگر به جنگ حسین بن علی نروی، از حاکمیت ری خبری نیست. این جا یک آدم ارزشی یک لحظه هم فکر نمی کند [بلافاصله] می گوید مرده شوی ری را ببرند، ری چیست؟ همه ی دنیا را هم به من بدهید، من به حسین بن علی اخم هم نمی کنم؛ من به عزیز زهرا (س) چهره هم در هم نمی کشم؛ من بروم حسین بن علی و فرزندانش را بکشم که می خواهید به من ری بدهید؟ آدمی که ارزشی باشد این طور است اما وقتی که درون تهی است، وقتی که جامعه، جامعه ی دور از ارزشهاست، وقتی که آن خطوط اصلی در جامعه ضعیف شده است، دست و پا می لغزد؛ حالا حداکثر یک شب هم فکر می کند؛ خیلی حدت کردند، یک شب تا صبح مهلت گرفتند که فکر کنند. اگر یک سال هم فکر کرده بود، باز هم این تصمیم را گرفته بود، این فکر کردن ارزشی نداشت یک شب فکر کرد، بالاخره گفت بله، من مُلک ری را می خواهم! البته خدای متعال همان را هم به او نداد. آن وقت عزیزان من! فاجعه ی کربلا پیش می آید.^{۱۰}

۶. تساهل و تسامح خواص

غفلت و عدم بهره برداری صحیح از فرصت های استثنایی و حساس تاریخ و نیز سستی خواص حق، از حضور مؤثر و به موقع در صحنه های سیاسی، ضرباتی جبران ناپذیر بر پیکره جامعه اسلامی وارد می سازد که تا قرن ها آثار آن باقی می ماند. در فرهنگ روایات ائمه معصومین (ع) بهره گیری مناسب از فرصت های به دست آمده را غنیمت، و از دست دادن فرصت های طلایی و استثنایی را خسارت جبران ناپذیری می دانند که باعث غصه و اندوه می گردد.

حضرت علی (ع) می فرماید: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»^{۱۱} از فرصت ها استفاده کن پیش از آن که از دست دادن آنها مایه اندوه شود.

سستی و غفلت هایی که از جانب خواص حق و برخی علمای متعهد در دوران امام حسین (ع) پدید آمد، مهمترین عامل غلبه ظاهری بنی امیه بر عاشورائیان شد.

مقام معظم رهبری درباره حادثه کوفه و سستی یاران مسلم بن عقیل می فرماید:

«اگر خواص، مسلم را تنها نمی گذاشتند، مثلاً صد نفر می شدند، این صد نفر اطراف مسلم را می گرفتند، به خانه ی یکی از آنها می آمدند و می ایستادند، دفاع می کردند مسلم تنها

هم که بود وقتی می‌خواستند او را دستگیر کنند، چندین ساعت طول کشید! چندین بار حمله کردند، مسلم به تنهایی همه‌ی سربازان ابن زیاد را - همان عده‌ای که آمده بودند - پس زد اگر صد نفر مرد با او بودند؛ مگر می‌توانستند او را بگیرند؟! مردم باز هم اطرافشان جمع می‌شدند. پس خواص، این جا کو تاهی کردند که نرفتند اطراف مسلم را بگیرند!... حضرت مسلم با جمعیت زیادی راه افتادند - در تاریخ ابن اثیر نوشته است - به نظرم سی هزار اطراف حضرت مسلم آمدند، چهار هزار نفر از مردم، فقط اطراف او با شمشیر، به نفع مسلم بن عقیل ایستاده بودند - اینها مربوط به روز نهم ذیحجه است - کاری که ابن زیاد کرد، یک عده از همین خواص را بین مردم فرستاد که مردم را بترسانند - مادرها و پدرها را - تا بگویند با چه کسی می‌جنگید؟ چرا می‌جنگید؟ برگردید، پدرتان را درمی‌آورند، این‌ها یزیدند، این‌ها ابن زیادند، اینها بنی امیه‌اند، اینها چه دارند، پول دارند، شمشیر دارند، تازیانه دارند، ولی آنها چیزی ندارند، مردم را ترسانند، به مرور همه متفرق شدند! آخر شب - وقت نماز عشا - هیچ کس همراه حضرت مسلم نبود! هیچ کس! و ابن زیاد، پیغام داد که همه باید برای نماز عشا به مسجد کوفه بیایند، نماز را با من به جماعت بخوانند! تاریخ می‌نویسد: برای نماز عشا پشت سر ابن زیاد، مسجد کوفه پر از جمعیت شد! خوب، چرا چنین شد؟! من که نگاه می‌کنم، می‌بینم خواص مقصرند؛ همین خواص طرفدار حق مقصرند، بعضی از این خواص طرفدار حق، ذر نهایت بدی عمل کردند.^{۱۲}

ب - راه کارهای پیشگیری تکرار تاریخ اسلام انسانی

تاریخ صدر اسلام پس از رحلت پیامبر دستخوش نشیب و فرازهایی شد که به شهادت امام حسین (ع) و فاجعه کربلا انجامید حال برای عبرت‌گیری از رویدادهای این پنجاه ساله چه تدبیری باید اندیشید تا مجدداً جامعه اسلامی گرفتار چنین مصیبت‌ها و انحراف‌ها نگردد؟ در اینجا به برخی از این راه کارها، از زبان مقام معظم رهبری بیان می‌گردد.

۱. معرفت دینی و سیاسی

عمق بخشیدن به معلومات دینی و عبادات مسلمانان همراه با تقویت بصیرت سیاسی و ارائه راه کار عملی و ملموس شناخت حق از باطل یکی از راه کارهای حفظ جامعه اسلامی از ریزش‌ها و انحرافات است.

مقام معظم رهبری عمق بخشی به عبادات را عامل مهم بصیرت دینی و سیاسی می‌داند و عمار یاسر را مصداق کامل آن معرفی می‌کند:

«اگر روح اعمال و عبادات - که عبارت از همان توجه به خدا و عبودیت اوست - برای انسان حل و روشن نشود و انسان سعی نکند که در هر یک از این واجبات، خودش را به عبودیت خدا نزدیک کند، کارش سطحی است. کار و ایمان سطحی، همیشه مورد خطر است و این چیزی است که ما در تاریخ اسلام دیده‌ایم... عظمت آن اصحاب خاص امیرالمؤمنین (ع) در همین است که در هیچ شرایطی دچار اشتباه نشدند و جبهه را گم نکردند. من در موارد متعدد در جنگ صفین، این عظمت را دیده‌ام، البته مخصوص جنگ صفین هم نیست. در بسیاری از آن جاهایی که برای جمعی از مؤمنین، نکته‌هایی مورد اشتباه قرار می‌گرفت، آن کس که می‌آمد و با بصیرت نافذ و بایبان روشنگر خود، شبهه را از ذهن آنها برطرف می‌کرد، عمار یاسر بود. انسان در قضایای متعدد امیرالمؤمنین از جمله در صفین نشان وجود این مرد روشنگر عظیم‌القدر را می‌بیند.^{۱۳}»

۲. حفظ ارزش‌های دینی

توجه به معیارهای دینی در مدیریت، گزینش و تصمیم‌گیری و نیز گسترش و نهادینه شدن آن در سطوح مختلف جامعه برجسته‌ترین راه کار حفظ انقلاب اسلامی است که پرتوی از انقلاب عاشورای حسینی در احیا و حفظ ارزش‌هاست.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«وقتی که خدا، تقوی، بی‌اعتنایی به دنیا و مجاهدت در راه خدا معیار باشد، افرادی که این معیارها را دارند، در صحنه‌ی عمل می‌آیند و سر رشته کارها را به دست می‌گیرند. جامعه، جامعه‌ی اسلامی است اما وقتی که معیارهای خدایی عوض بشود و هر کسی که دنیا طلب‌تر، شهوتران‌تر و برای به دست آوردن منافع شخصی زرنگتر است، هر کسی که با صدق و راستی بیگانه‌تر است، سر کار می‌آید! نتیجه این می‌شود که افرادی مثل عمر بن سعد و عبیدالله بن زیاد می‌شوند رؤسا و شخصی مثل حسین بن علی بن مذبیح می‌رود و در کربلا به شهادت می‌رسد. این یک حساب دو تا چهار تاست. باید کسانی که دلسوزند نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود. اگر معیار تقوی در جامعه عوض شد،

معلوم است که خون یک انسان با تقوایی مثل حسین بن علی باید ریخته شود، اگر زرنگی و دست و پا داری و پشت هم اندازی و دروغگویی در کار دنیا و بی‌اعتنایی به ارزش‌های اسلامی ملاک قرار گرفت، معلوم است که باید کسی مثل یزید در رأس کار قرار بگیرد و کسی مثل عبیدالله شخص اول کشور عراق بشود. همه‌ی کار اسلام این بود که این معیارها را عوض کند همه‌ی کار انقلاب ما هم این بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستند و آنها را عوض کنند.^{۱۴}

۳. بصیرت و هوشیاری

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَىٰ عَنِ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ؛^{۱۵}

بی‌شک اگر ژرف‌نگری، برای کسی فاجعه‌های تاریخ را که فرا روی اوست عریان سازد، حاصلش تقوایی باشد که او را از ناسنجیده به آب زدن و در امواج فتنه‌ها فرو افتادن باز می‌دارد.

از این رو زیرکی، هوشیاری، متقی بودن و مراقبت لازمه یک جامعه دینی پویا و سالم است و مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«عزیزان من انسان این تحولات اجتماعی را دیر می‌فهمد، باید مراقب بود، تقوا یعنی این، تقوا یعنی آن کسانی که حوزه‌ی حاکمیتشان شخص خودشان است، مواظب خودشان باشند، آن کسانی هم که حوزه‌ی حاکمیتشان از شخص خودشان وسیع‌تر است، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب دیگران باشند، آن کسانی که در رأس هستند هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب کل جامعه باشند.»^{۱۶}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همزمان با پیدایش و گسترش اسلام جریان نفاق پیچیده‌ای در میان مسلمانان صدر اسلام شکل گرفت که با حرکت خزننده خود توانست تا خود را به نزدیکترین اصحاب و یاران حضرت رسول (ص) برساند. رفتارها و مواضع این جریان خطرناک آنچنان مودیان و مرموزانه بود که به جز تعدادی انگشت شمار از خواص و یاران پیامبر، دیگران قدرت تشخیص حرکت رو به رشد آن را نداشتند.

پس از رحلت جانگداز پیامبر (ص) جریان نفاق با یک کودتای سیاسی فرهنگی و تصرف ارکان حکومت چهره پنهان خود را آشکار ساخت و اولین گام‌های انحراف در سیر تکاملی انقلاب اسلامی پیامبر (ص) برداشته شد. پس از آن که خط انحراف با تزویر و فریب آمیخته با تهدید تحت عنوان استمرار سیره پیامبر و عمل به وحی مواضع خود را در جامعه تحکیم بخشید مسلمانان که از قرآن و عترت جدا شده بودند به گرداب فتنه‌ها درافتادند.

تقویت و رشد این جریان منحرف باعث دوری مردم از خاندان پیامبر شد و خواص نیز سرخورده از این انحراف نیز، به دام گرایش‌های دنیایی و حفظ موقعیت‌های خود افتادند و به مرور زمان ارزش‌های دینی تغییر کرد به گونه‌ای که پس از پنجاه سال، حکومت نبوی به سلطنت اموی مبدل شد و پسر پیامبر به عنوان خروج بر حاکمیت دولت اسلامی خودش مباح گردید و مسلمانان عراق و شام دست خود را به خون حسین (ع) آلودند.

طرح موضوع عبرت‌های عاشورا از سوی مقام معظم رهبری از دغدغه و نگرانی ایشان نسبت به سرنوشت انقلاب اسلامی و آرمان‌های متعالی امام خمینی حکایت دارد و هدف معظم‌له از تحلیل حادثه عاشورا از نگاه عبرت آموزی این است که نسل امام و انقلاب با مطالعه دقیق و تحلیلی رویدادهای پس از رحلت پیامبر که منجر به شهادت امام حسین (ع) گردید، با دقت مسیر انقلاب اسلامی ایران را بر اساس معیارها و ارزش‌هایی که عامل پیدایش این انقلاب شده است تعقیب کنند و با هوشیاری و زیرکی بتوانند سیاست‌های دراز مدت و پیچیده دشمن را شناسایی و خنثی کنند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ قَطِينٌ حَذِرٌ»^{۱۷} مؤمن زیرک، فهمیده و محتاط است. حضرت علی (ع) درباره غفلت از توطئه‌های مرموز دشمنان می‌فرماید:

«مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتَيْتَهُ الْمَكَايِدُ»^{۱۸} هر که از نقشه‌های دشمن غفلت کند مکرها او را بیدار

می‌سازد.

ضروری است روحانیون محترم این دغدغه رهبری را جدی تلقی کنند و در ایام محرم و تبلیغ بر چند محور تأکید داشته باشند

۱. حفظ ارزش‌های دینی انقلاب و دفاع مقدس.
۲. هوشیاری و زیرکی مردم و حضور در صحنه‌های سیاسی.

۳. ولایتمداری و استمرار خط اصیل اسلام و سیره امام خمینی.

۴. ضرورت عبرت‌گیری از انحرافات صدر اسلام را برای مردم و نیروهای مسلح یادآور شوند که اگر حوادث صدر اسلام و عاشورای حسینی یا رویدادهای تاریخ معاصر همانند مشروطیت را آموزگار عبرت آموزی خود ندانند انقلاب اسلامی، تحریف و استحاله شده و حسین بن علی (ع) و شیخ فضل الله نوری‌ها به قربانگاه خواهند رفت. هر که نائمخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

پی‌نوشتها:

۱. ر.ک: مفردات راغب اصفهانی، ذیل واژه «عبر» و مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۱۵۶.
۲. آیاتی که واژه «عبرة» و مشتقات آن آمده صراحتاً به موضوع عبرت آموزی اشاره دارد و برخی از آیاتی که واژه «نظَر» و مشتقات آن و یا جمله «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» در آن است تلویحاً انسان‌ها را به عبرت و تأمل فرامی‌خواند.
۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۴۸.
۴. بیانات در دیدار با روحانیون ۷/۵/۷۱.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵، حدیث ۱، بیروت، ۱۴۰۱ قمری.
۶. بیانات در دیدار با مسئولان و پرسنل سپاه نیروهای انتظامی به مناسبت روز پاسدار ۵/۱۰/۷۴.
۷. بیانات در دیدار با فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج، ۲۲/۴/۷۱.
۸. تحف العقول، ص ۳۸۹، ابن شعبه حرانی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۹. بیانات در دیدار با فرماندهان و نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۲۰/۳/۷۵.
۱۰. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۸/۲/۷۷.
۱۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۷، مجلس، الوفاء، بیروت.
۱۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۲۰/۳/۷۵.
۱۳. حدیث ولایت، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶.
۱۴. بیانات در دیدار با فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج، ۲۲/۴/۷۱.
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۶؛ خورشید بی‌غروب، ص ۳۲، عبدالمجید معادیخواه، نشر ذره.
۱۶. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۸/۲/۷۷.
۱۷. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۰۷، ح ۴۰.
۱۸. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، مؤسسه دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۳۴۴.